



The University of Tehran Press

Social Capital Management

Home Page: <https://jscm.ut.ac.ir/>

Online ISSN: 2423-6233

Non-Governmental Organizations and its Implications for the Production of Social Capital: An Ethnographic Study of Non-Governmental Organizations in Sardasht

Omid Ghaderzadeh^{1*} | Nafe Babasafari² | Rahmat Foroughi³

1. Corresponding Author, Department of Sociology, Researcher at Kurdistan Studies Institute, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran. E-mail: ogh1355@gmail.com

2. Department of Sociology, Faculty of Humanities, Farhangian University, Sanandaj, Iran. E-mail: nafebabasafari@gmail.com

3. Department of Sociology, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan. E-mail: rahmatforoughi1219@gmail.com

ARTICLE INFO

Article type:

Research Article

Article History:

Received December 25, 2023

Revised February 06, 2024

Accepted February 06, 2024

Published online September 07, 2024

Keywords:

NGOs,

Sharing values and norms,

Social capital,

Social networking,

Sardasht.

ABSTRACT

Nearly three decades have passed since the activity of non-governmental organizations in Sardasht; associations formed based on economic, social, cultural and environmental needs. The present research analyzes the strategies of non-governmental organizations in the production of social capital and identifies their capital-generating and capital-depriving experiences with a qualitative approach and urban ethnography methodology, through the mediation and analysis of the activities of civil activists in non-governmental organizations. Semi-structured interviews were used to collect data and thematic analysis was used to analyze the data. The research samples consisted of 34 civil activists in 31 non-governmental organizations in Sardasht. The number of samples were selected through theoretical saturation and the maximum diversity sampling method was also used. Based on the narrative of civil activists, despite the discontinuity in the institutional and social support, non-governmental organizations through strategies such as "sharing norms and values," "collective action," "social networking" and "social trust" have contributed to the production of social capital. In addition, the experiences of civil activists have been the carriers of capital-generating and capital-depriving experiences. Decapitalization experiences along with the production of limited and intra-group social capital have hindered the expansion of societal community and the expansion of social development and have perpetuated social fragmentation in Sardasht.

Cite this article: Ghaderzadeh, O.; Babasafari, N. & Foroughi, R. (2024). Non-Governmental Organizations and its Implications for the Production of Social Capital: An Ethnographic Study of Non-Governmental Organizations in Sardasht. *Social Capital Management*. 11 (3), 237-254. Doi: <http://doi.org/10.22059/jscm.2024.369982.2478>



© Omid Ghaderzadeh, Nafe Babasafari, Rahmat Foroughi.

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jscm.2024.369982.2478>



سازمان‌های مردم‌نهاد و دلالت‌های آن برای تولید سرمایه اجتماعی: مطالعه اتنوگرافیک سازمان‌های مردم‌نهاد سردشت

امید قادرزاده^{۱*} | نافع باباصفیری^۲ | رحمت فروغی^۳

۱. نویسنده مسؤل، گروه جامعه‌شناسی، پژوهشگر پژوهشکده کردستان‌شناسی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. رایانامه: ogh1355@gmail.com
۲. گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه فرهنگیان، سنندج، ایران. رایانامه: nafebabasafari@gmail.com
۳. گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. رایانامه: rahmatforoughi1219@gmail.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۱/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۶/۱۷

کلیدواژه:

اشتراک‌آرزشی و هنجاری،

سازمان‌های مردم‌نهاد،

سرمایه اجتماعی،

شبکه‌سازی اجتماعی،

سردشت.

قریب به سه دهه از فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد در سردشت می‌گذرد؛ سمن‌هایی که بنا به ضرورت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و زیست‌محیطی شکل گرفته‌اند. پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و با روش اتنوگرافی شهری به میانجی واکاوی نحوه فعالیت کنشگران مدنی در سمن‌ها به واکاوی راهبردهای سمن‌ها در تولید سرمایه اجتماعی و شناسایی تجارب سرمایه‌زادای آن‌ها پرداخته است. برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختارمند و برای تحلیل داده‌ها از تحلیل تماتیک بهره گرفته شده است. نمونه‌های پژوهش ۳۴ نفر کنشگر مدنی در ۳۱ سمن سردشت بودند. برای تعیین تعداد نمونه‌ها، اشباع نظری مبنا قرار گرفت و از روش نمونه‌گیری با حداکثر تنوع بهره گرفته شد. بر مبنای روایت کنشگران مدنی، با وجود گسست و انقطاع در پشتوانه نهادی و اجتماعی، سمن‌ها از طریق راهبردهایی چون «اشتراک‌آرزشی و هنجاری»، «اقدام جمعی»، «شبکه‌سازی اجتماعی»، و «اعتماد اجتماعی» به تولید سرمایه اجتماعی مبادرت ورزیده‌اند. علاوه بر این، تجارب کنشگران مدنی حامل تجارب سرمایه‌زا و سرمایه‌زدا بوده است. تجارب سرمایه‌زدا، با تولید سرمایه اجتماعی محدود و درون‌گروهی، مانع تعریض اجتماع جامعی و بسط توسعه اجتماعی شده و چندپارگی اجتماعی را در سردشت تداوم بخشیده است.

استناد: قادرزاده، امید؛ باباصفیری، نافع و فروغی، رحمت (۱۴۰۳). سازمان‌های مردم‌نهاد و دلالت‌های آن برای تولید سرمایه اجتماعی: مطالعه اتنوگرافیک سازمان‌های مردم‌نهاد سردشت. مدیریت سرمایه اجتماعی، ۱۱ (۳) ۲۵۴-۲۳۷.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jscm.2024.369982.2478>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© امید قادرزاده، نافع باباصفیری، رحمت فروغی.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jscm.2024.369982.2478>



۱. بیان مسئله

شهر سردشت در جنوب غربی آذربایجان غربی و در فاصله ۳۵ کیلومتری مرز ایران و عراق قرار دارد. به جهت موقعیت پیرامونی و دوری از مرکز و مرزی بودن و سیطره نظم انتظامی، شبکه‌های خویشاوندی و مناسبات قومی و عشیره‌ای به عامل اولیه هویت‌بخشی و انسجام در سردشت تبدیل شده است. مختصات جغرافیایی، اجتماعی و فرهنگی این شهر که با چندگانگی ساختاری، ساختار قطاعی و چندپارگی اجتماعی ویژگی می‌یابد در تداوم هویت‌های اولیه و قوت یافتن سرمایه اجتماعی درون‌گروهی (محدود) مؤثر بوده است. «سرمایه اجتماعی درون‌گروهی بر شدت روابط در درون‌گروه‌هایی دلالت دارد که قرابت زیادی در مختصات جمعیتی، پنداشت، دانش، آگاهی، و منابع در دسترس دارند. سرمایه اجتماعی محدود بین افراد شبیه به هم که با هم هستند و معمولاً روابط نزدیک قوی با هم دارند وجود دارد. این نوع سرمایه نمود قابل ملاحظه‌ای در میان اعضای خانواده، دوستان نزدیک، و همسایه‌ها و افراد هم‌قوم دارد.» (Claridge, 2018: 1).

با راه‌اندازی دانشگاه پیام‌نور و آزاد اسلامی و قوت گرفتن بازارچه‌ها و مراودات مرزی، از انزوای محیطی و جغرافیایی این شهر کاسته شده است و با ورود مجاری نوین ارتباطی و اطلاعاتی و نوسازی ارتباطی ارزش‌ها و باورهای جدید به این شهر ورود یافته است. به قول کومار «با نوسازی روابط اجتماعی، ارزش‌ها و نظام معنایی نوینی در جامعه شکل می‌گیرد که ممکن است مقوم تغییرات اجتماعی باشد.» (Kumar, 1978: 8). به فراخور نوسازی آموزشی، نوسازی ارتباطات، و رشد مشاغل جدید اقشار جدیدی در سردشت شکل گرفته‌اند که نظام معنایی آن‌ها مقوم تغییرات اجتماعی و فرهنگی است. یکی از مجاری کنشگری اقشار جدید سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن) است. در سه دهه اخیر سمن‌های متنوعی در حوزه‌های ادبی، فرهنگی-اجتماعی، زیست‌محیطی، پیشگیری از آسیب‌ها و مسائل اجتماعی، حمایت از مصدومان شیمیایی و بیماران خاص، و خیریه در این شهر آغاز به فعالیت کرده‌اند. ناگفته پیداست یاریگری در اجتماعات شهری و روستایی سردشت قدمت دیرینه‌ای داشته است و واژه کُردی «هه‌ره‌وه‌ز» که به معنای همیاری در کار و خوشی و ناخوشی‌های زندگی است بر یاریگری سنتی دلالت دارد. با این وصف، گستره یاریگری محلی بوده و بر مبنای قرابت‌های محلی و نسبی شکل گرفته و جنبه مقطعی و محدود داشته است.

سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن) عموماً سازمان‌های ثبت‌شده، گروه‌های اجتماع‌محور، انجمن‌های حرفه‌ای، اتحادیه‌های کارگری، و سازمان‌های خیریه همکاری هستند که هدف آن‌ها بهبود حیات اجتماعی اعضای خود و حوزه‌ها و مناطقی است که در آن فعالیت دارند (Islam, 2016: 2). سمن‌ها نقش بی‌بدیلی در تقویت سرمایه اجتماعی و رفع موانع انباشت آن دارند. زیرا آن‌ها با «عمل توسعه» مترادف هستند. مفهوم سرمایه اجتماعی به عنوان عنصری اساسی در دستیابی به توسعه عادلانه و پایدار، دموکراسی مشارکتی، توانمندسازی از پایین، و حکومت کارآمد مطرح شده است. بسیاری از نظریه‌پردازان و متخصصان توسعه سرمایه اجتماعی را به عنوان مؤلفه اساسی سازماندهی اجتماعی و پی‌ریزی یک جامعه مدنی قوی پذیرفته‌اند (Abom, 2004: 343).

سردشت بنا به مختصات جغرافیایی سیاسی به عنوان منطقه جنگی توسط رژیم بعث بمباران شیمیایی شده است و به جهت جایگاه پیرامونی با مهاجرت سرمایه‌های اقتصادی و انسانی روبه‌رو بوده است. همین وضعیت موجب شده است تا رفتارهای زیست‌واره بر منافع جمعی عام پیشی بگیرد و به جای مناسبات اجتماعی جامع و دربرگیرنده خودمداری و مناسبات اجتماعی قشری و عشیره‌ای اولویت پیدا کند. ضمن آنکه شهر سردشت در وضعیت گذار به سر می‌برد و همین وضعیت آهنگ و جهت تغییرات اجتماعی را با مخاطرات عدیده‌ای روبه‌رو ساخته است. سمن‌ها و فعالان مدنی به عنوان کارگزار و نیروی تغییرآفرین در بازسازی اجتماعی نقشی قابل توجه ایفا می‌کنند. سمن‌ها در سردشت از دهه ۱۳۷۰ شکل گرفته‌اند. از میان آن‌ها ۸ مرکز نیکوکاری و ۳۱ سمن در حوزه‌های ادبی، فرهنگی-اجتماعی، زیست‌محیطی، پیشگیری از آسیب‌ها و مسائل اجتماعی، مصدومان شیمیایی، حمایت از بیماران خاص، و خیریه فعالیت مداوم داشته‌اند. برخی از سمن‌ها ماهیت اقتضایی داشته‌اند. مثلاً، بمباران شیمیایی سردشت بن‌مایه شکل‌گیری انجمن دفاع از حقوق مصدومین شیمیایی بوده است. بر مبنای برآورد میدانی، ۵۸۹۳ نفر به عنوان عضو و جامعه هدف (ذی‌نفع) با سمن‌ها و مراکز خیریه ارتباط دارند و این مسئله بر نفوذ اجتماعی سمن‌ها دلالت دارد.

تاکنون پژوهشی در خصوص سازمان‌های مردم‌نهاد سردشت صورت نگرفته است و به دلیل خلأ پژوهشی دانش قابل اعتنایی در خصوص ماهیت و عملکرد سمن‌ها وجود ندارد. این مطالعه، به دلیل ماهیت بسترمند و تفریدی، حاوی دانش سودمندی برای

جامعه مدنی و دستگاه‌های سیاست‌گذار است و از این منظر بدیع است و جنبه اکتشافی دارد. تحقیق حاضر از آنجا که ماهیتی مردم‌محور و کیفی دارد می‌تواند مطمئن نظر صاحب‌نظران، کنشگران مدنی، و سازمان‌های اجرایی قرار گیرد. بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که در بافت شهر سردشت، که از دیرباز شبکه‌های خویشاوندی و مناسبات قومی و عشیره‌ای به عنوان عامل اولیه هویت‌بخشی و انسجام عمل کرده‌اند، سمن‌ها در پی‌ریزی و بسط سرمایه اجتماعی چگونه ایفای نقش کرده‌اند؟ فعالان مدنی چه راهبردهایی برای تولید سرمایه اجتماعی اتخاذ کرده‌اند؟ و فعالیت مدنی حامل چه تجارب سرمایه‌زا و سرمایه‌زدایی بوده است؟

۲. مرور پیشینه نظری

سازمان مردم‌نهاد (سمن) نوعی سازمان داوطلبانه، غیرانتفاعی، و غیردولتی است که مشارکت اجتماعی در جامعه را با هدف خیر جمعی ترغیب می‌کند و جهت می‌بخشد. سازمان مردم‌نهاد (سمن) به طور مستقیم بخشی از ساختار دولت نیست؛ اما نقش واسط بین افراد جامعه و حاکمیت ایفا می‌کند. منبع مالی سازمان‌های مردم‌نهاد عمدتاً از طریق کمک‌های مردمی تأمین می‌شود و در مواردی نیز توسط دولت مورد حمایت قرار می‌گیرند و یا به صورت تلقیفی عمل می‌کنند (Buckland, 1998: 239). به پیروی از سنت توکویلی، انجمن‌ها و شبکه‌های رسمی و غیررسمی، به سبب تأثیرات اجتماعی‌کننده بر ارزش‌ها و هنجارهای دموکراتیک و مشارکتی، خالق سرمایه اجتماعی در نظر گرفته می‌شوند. مشارکت سمن‌ها در بسط سرمایه اجتماعی حیاتی است. آن‌ها نه تنها سرمایه اجتماعی را تقویت می‌کنند بلکه فضای ضروری برای هماهنگی متقابل و تبادل افکار را تسهیل می‌کنند. سمن‌ها به افراد انگیزه می‌بخشند تا روابط متقابل را توسعه دهند. سمن‌ها جوامع چندپاره را یکپارچه و نقش اتصال را ایفا می‌کنند (Jaysawal, 2017: 346).

سمن‌ها رابطه مستقیم با سرمایه اجتماعی به عنوان یک قابلیت اجتماعی هنجاری دارند که همراهی و همکاری اجتماعی را در سطح بین‌فردی و نهادی تقویت می‌کنند (Claridge, 2018: 1). مفهوم سرمایه اجتماعی به مثابه مفهومی نوپدید بر مفاهیمی چون انسجام و همبستگی اجتماعی، اعتماد اجتماعی، پیوندهای اجتماعی، ارزش‌ها و قواعد اجتماعی دلالت دارد که در آثار جامعه‌شناسان کلاسیک بدان پرداخته شده است. تنزل روابط اجتماعی و پیوند فرد و جامعه از جمله دغدغه‌هایی است که در تکوین جامعه‌شناسی مؤثر بوده است (فیلد، ۱۳۸۸: ۱۸).

از منظر صاحب‌نظران، سرمایه اجتماعی شامل چهار حوزه کلیدی است: ۱. روابط شخصی که به ساختار شبکه‌های اجتماعی فرد اشاره دارد؛ ۲. عمق و گستره حمایت شبکه‌های اجتماعی در دسترس فرد؛ ۳. فعالیت‌های مشارکت مدنی مانند داوطلبی و اقدام اجتماعی؛ ۴. باورها، نگرش‌ها، و چارچوب‌های مرجع کنش مانند اعتماد و هنجارهای همکاری متقابل (Cockburn & Wootten, 2022: 119).

کلمن سرمایه اجتماعی را جنبه‌ای از ساختار اجتماعی می‌داند که پیوندهای ارتباطی و اقدام جمعی و توسعه اجتماعی را تسهیل می‌کند و شامل تعهد اجتماعی، ظرفیتی برای دستیابی به اطلاعات، قواعد مبتنی بر خیر جمعی و برخوردار از ضمانت اجرایی مؤثر، مراجع اقتدار و شخصیت‌های مؤثر اجتماعی، و تشکل‌های اجتماعی انعطاف‌پذیر و انطباق‌پذیر است (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۶۵).

از منظر پاتنام، سرمایه اجتماعی ناظر بر آن دسته از ویژگی‌های نهادی، نظیر شبکه‌های اجتماعی و قواعد عمل متقابل و اعتماد اجتماعی، است که تسهیلگر همکاری و هماهنگی برای نیل به منافع جمعی است. پرسش پژوهشی پاتنام و همکارانش معطوف به چرایی تفاوت در عملکرد و کارایی نهادهای دموکراتیک در حکومت‌های منطقه‌ای شمال و جنوب ایتالیا با وجود سیاست‌های همسان دولت مرکزی بود. پاتنام، در توضیح چرایی تفاوت، به متغیر سرمایه اجتماعی دست پیدا کرد. «نهادهای سازمان‌ها در حکومت منطقه‌ای شمال ایتالیا، برخلاف جنوب ایتالیا، بهتر کار می‌کردند. مشارکت مردم در پای صندوق رأی بیشتر بود. نهادهای بروکراتیک پاسخگوتر و شهروندان نسبت به ترتیبات نهادی اعتماد داشتند. شبکه‌های قوی مشارکت/درگیری مدنی تعیین‌کننده اصلی عملکرد دولت و توسعه اجتماعی-اقتصادی است.» (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۸۱).

نفس اشتراک ارزشی و هنجاری به تولید سرمایه اجتماعی منتج نمی‌شود. هنجارهایی مولد سرمایه اجتماعی هستند که ناظر بر فضیلت‌های مدنی صداقت، تعهد اجتماعی، و روابط متقابل باشند؛ هنجارهایی که هزینه پیوندهای اجتماعی را تقلیل و همیاری و همکاری جمعی را ترویج دهند (فوکویاما، ۱۳۸۵: ۱۹).

وولکاک و نارایان در مقاله «سرمایه اجتماعی و دلالت‌های آن برای تئوری توسعه» نشان داده‌اند جوامعی که از شبکه‌های اجتماعی متنوع و گسترده و متداخل و انجمن‌های مدنی متنوع بهره‌مندند در موفقیت بهتر و قدرتمندتری برای مقابله با فقر و آسیب‌پذیری، حل‌وفصل اختلافات و منازعات، و بهره‌مندی از فرصت‌های جدید قرار دارند (Woolcock & Narayan, 2000: 226).

نزد اجتماع‌گرایان، سرمایه اجتماعی با باشگاه‌ها و اجتماعات و انجمن‌های مدنی یکسان تلقی می‌شود و کم و کیف سرمایه اجتماعی تابع تنوع و فشردگی نهادهای مدنی در جامعه است و در تجلیل از اجتماع و جامعه مدنی سوبیه‌های منفی سرمایه اجتماعی نادیده گرفته می‌شود. مثلاً، آنجا که اجتماعات یا شبکه‌ها منفک و محدود یا مغایر با منافع جمعی عمل می‌کنند سرمایه اجتماعی از حالت مؤلّد به آنچه رویو (۱۹۹۷) در تشریح کلمبیا سرمایه اجتماعی معیوب و ناکارآمد و منحرف می‌نامد تغییر می‌یابد و توسعه را مختل می‌سازد (Rubio, 1997: 812).

جان فیلد در کتاب سرمایه اجتماعی به ترویج خاص‌گرایی و بازتولید نابرابری‌های اجتماعی و زوال آزادی و ابتکار فردی به عنوان سوبیه‌های منفی سرمایه اجتماعی قدیم (شبکه‌ها و پیوندهای محدود به اجتماعات همسان) اشاره کرده است (فیلد، ۱۳۸۸: ۳۳). اندیشه بنیادین سرمایه اجتماعی بر اهمیت انجمن‌های مدنی و اثربخشی کنش‌های مشارکتی برای نیل به خیر جمعی دلالت دارد. مسئله اصلی سازکار تولید و نوع سرمایه اجتماعی است. در یک تقسیم‌بندی کلی از سه نوع سرمایه اجتماعی یاد می‌شود: سرمایه اجتماعی درون‌گروهی (محدود/قدیم) که بر روابط برآمده از عواطف و احساسات و ویژگی‌های مشترک دلالت دارد؛ سرمایه اجتماعی بین‌گروهی (پل‌دهنده) که بر روابط اجتماعی افراد و گروه‌ها با پیشینه‌ها و ویژگی‌های متفاوت دلالت دارد و ناظر بر شبکه‌ها و گروه‌ها و سازمان‌های میانجی است؛ سرمایه اجتماعی نهادی که به روابط حاصل از شبکه‌های عمودی و سلسله‌مراتبی دلالت دارد و امکان دسترسی به منابع سازمان‌های رسمی را فراهم می‌آورد و ناظر بر روابط سطح کلان نهادی است (Woolcock & Narayan, 2000: 208). تفاوت بین سرمایه اجتماعی پیوندی و پل‌دهنده به ماهیت روابط یا انجمن‌ها در گروه یا جامعه مربوط می‌شود. سرمایه اجتماعی پیوندی در یک گروه یا جامعه است؛ درحالی‌که سرمایه اجتماعی پل‌دهنده بین گروه‌های اجتماعی، طبقه اجتماعی، نژاد، مذهب، یا سایر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی یا اجتماعی-اقتصادی است (Claridge, 2018: 3).

۳. پیشینه تحقیق

دو مفهوم اصلی پژوهش حاضر سازمان‌های مردم‌نهاد و سرمایه اجتماعی است. تاکنون محققان متعددی تلاش کرده‌اند تا ارتباط بین این دو مفهوم را بررسی کنند. مثلاً، یعقوبی و همکارانش (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «تحلیل تأثیر و تأثر اهم مسائل سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران»، ضمن استخراج موانع سمن‌ها در مطالعات مرتبط با سمن‌ها در بازه زمانی ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۹ و تهیه و توزیع پرسشنامه مقایسه زوجی بین ۱۵ نفر از خبرگان و فعالان این حوزه، با استفاده از تکنیک دیمتل، به سطح‌بندی موانع پیش روی سمن‌ها پرداخته‌اند. بر مبنای نتایج، ضعف در ارتباطات و همکاری مؤثر بین سمن‌ها و فقدان سرمایه اجتماعی لازم از عوامل کلیدی مؤثر بر مشکلات سمن‌هاست. عربی و دالوند (۱۴۰۰) در مطالعه پیمایشی «سمن‌ها، سرمایه اجتماعی و مدارا (مورد مطالعه: سمن‌های فعال جوانان سطح شهر شیراز ۱۳۹۷ - ۱۳۹۸)»، ضمن اذعان به نقش سمن‌ها در مقام توانمندساز جامعه، مفهوم سرمایه اجتماعی را یکی از مهم‌ترین مسیرهای دستیابی به مدارا در سطوح مختلف جامعه جهت دستیابی به فضای دموکراتیک معرفی کرده‌اند. بر مبنای نتایج، در سمن‌های مورد مطالعه میزان سرمایه اجتماعی و مدارا در همه ابعاد پایین‌تر از سطح متوسط بوده است. نتایج مطالعه کیفی قادرزاده و کریمی (۱۳۹۹) با عنوان «فعالیت در سازمان‌های مردم‌نهاد؛ بر ساخت شبکه ارتباطی جدید به مثابه جایگزین محدودیت‌های ساختاری: ارائه نظریه زمینه‌ای» گویای آن است که سمن‌ها به یکی از کارگزاران مشارکت و همبستگی اجتماعی، تغییرات اجتماعی و فرهنگی، و میانجی ذی‌نفعان و دستگاه‌های اجرایی در سندج (به عنوان میدان مورد مطالعه) بدل شده‌اند.

رزاقی و لطفی (۱۳۹۷) در تحقیق کیفی «تحلیل جامعه‌شناختی چالش‌های بقا و پایداری سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه آسیب‌های اجتماعی» اصلی‌ترین مشکل درونی سمن‌ها را افول سرمایه اجتماعی و غیاب انگیزه‌های مشترک معرفی می‌کنند. همچنین رابطه سمن‌ها با شهروندان، دولت، و دیگر سمن‌ها به اصلی‌ترین چالش بیرونی سمن‌ها تبدیل شده است. نتایج مطالعه پیمایشی محمدجانی و دستغیب (۱۳۹۷) با عنوان «عوامل مؤثر بر اثربخشی سازمان‌های مردم‌نهاد جوانان استان فارس»، ضمن

اذعان به اثربخشی متوسط سمن‌های مورد بررسی، گویای آن است که بین مؤلفه‌های سرمایه انسانی، اجتماعی، فرهنگی، و عوامل ساختاری با اثربخشی سمن‌ها رابطه معنادار وجود داشته است.

هارتمن و همکارانش (۲۰۱۹) در مقاله «اثرات شبکه‌ای سازمان‌های غیردولتی بر سرمایه اجتماعی و نوآوری در میان کشاورزان خرده‌مالک (مطالعه موردی در پرو)» نشان داده‌اند سازمان‌های غیردولتی تأثیر قابل توجهی بر انسجام اجتماعی محلی و عملکرد نوآوری داشته است. به ارتباط دهقانان از روستاهای مختلف کمک کرده و دسترسی به دانش خارجی را فراهم ساخته و ایجاد یک سازمان تولیدی محلی را تسهیل کرده است (Hartmann et al., 2019).

آبوم در مقاله «سرمایه اجتماعی، سمن‌ها، و توسعه (مطالعه موردی: گواتمالا)» به وجوه و پیامدهای سمن‌ها بر سرمایه اجتماعی و دلالت‌های آن بر توسعه پرداخته است. سرمایه اجتماعی تسهیلگر کنش‌های اجتماعی و کاهش‌دهنده هزینه تعاملات است. به باور آبوم، پیوندهای افتراقی و همبستگی اجتماعی در میان اجتماعات و گروه‌هایی که خاص‌گرا هستند یا رفتارهای ضد اجتماعی دارند خیر جمعی را به مخاطره می‌افکند و سرمایه اجتماعی را در جهت منفی به کار می‌اندازد (Abom, 2004: 343).

ریزوانت و همکارانش (۲۰۱۱) نشان داده‌اند سرمایه اجتماعی در بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی از طریق افزایش بهره‌وری و خلاقیت و ترویج کارآفرینی نقش مهمی ایفا می‌کند. سرمایه اجتماعی کیفیت زندگی را بهبود می‌بخشد و منافع اجتماعی گسترده‌ای برای افراد و جامعه در پی دارد (Ali et al., 2011).

بوکلند (۱۹۹۸) در پژوهش «سرمایه اجتماعی و پایداری پروژه‌های سمن‌محور توسعه در بنگلادش» نشان داده است مؤسسات توسعه در بنگلادش هنجارهای جدیدی از اعتماد را ایجاد کرده‌اند که انباشت کارآمد و مؤثر سرمایه اقتصادی را تسهیل می‌کند. اما اگر این مؤسسات بخواهند ظرفیت همکاری اجتماعات محلی را بیشتر تقویت کنند باید به تولید سرمایه اجتماعی بین ذی‌نفعان توجه بیشتری کنند (Buckland, 1998).

۱.۳. نقد و ارزیابی پیشینه تحقیق

مرور پیشینه تجربی مرتبط با موضوع پژوهش حاضر گویای آن است که در تحقیقات موجود عمدتاً به وضعیت سرمایه اجتماعی در درون سمن‌ها پرداخته شده است (مثلاً یعقوبی و همکاران، ۱۴۰۰؛ عربی و دالوند، ۱۴۰۰؛ رزاقی و لطفی، ۱۳۹۷؛ محمدجانی و دستغیب، ۱۳۹۷). در خصوص نقش سمن‌ها در تولید سرمایه اجتماعی در جامعه در مطالعات داخلی مطالعه مستقلی به انجام نرسیده است. فقط در مطالعه کیفی قادرزاده و کریمی (۱۳۹۹) به کنشگری سمن‌ها در تقویت مشارکت و همبستگی اجتماعی (به عنوان یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی) پرداخته شده است. برخلاف مطالعات داخلی، در مطالعات خارجی به کارگزاری سمن‌ها در تولید سرمایه اجتماعی پرداخته شده است که سه نمونه آن در پیشینه مرور شد (مثلاً Abom, 2004; Ali et al., 2011; Buckland, 1998). وجه متمایز پژوهش حاضر تمرکز بر تجارب سرمایه‌زاد و سرمایه‌زدای سمن‌ها و راهبردهای سمن‌ها در تولید سرمایه اجتماعی در جامعه است؛ موضوعی که در مطالعات داخلی به طور خاص مورد توجه قرار نگرفته است. مضافاً اینکه با وجود رشد فزاینده سمن‌ها در سردشت و آغاز فعالیت آن‌ها از دهه ۱۳۷۰ در خصوص سمن‌ها مطالعه‌ای به انجام نرسیده است و مطالعه حاضر از این دو جنبه بدیع محسوب می‌شود.

۱.۴. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش بر روش مردم‌نگاری شهری استوار است. مردم‌نگاری شهری در تحلیل زندگی شهری عوامل و نیروهای گسترده‌تر را لحاظ می‌کند و به دنبال تفسیر و نقد فرهنگ و تغییر آن به نفع برابری قدرت در روابط اجتماعی و توانمندسازی سوژه‌های مورد مطالعه است. مردم‌نگاری پیوند وثیقی با موضوع قدرت دارد و تغییرات و ارزش‌ها و رابطه کنشگر و ساختار از موضوعات مورد توجه است (Abu-lughod, 1991: 19).

میدان مورد مطالعه کنشگران مدنی و سمن‌ها در شهر سردشت است. قریب به سه دهه است که سمن‌ها در سردشت کنشگری خود را آغاز کرده‌اند. بر مبنای شواهد میدانی ۳۱ سمن در زمینه‌های متنوع فعالیت دارند. برای تعیین تعداد نمونه آماری، اشباع نظری مینا قرار گرفته است. در انتخاب نمونه‌ها زمینه‌های متنوع فعالیت سمن‌ها و همچنین برخورداری از سابقه فعالیت و

رابطهٔ مداوم در سمن لحاظ شده است. بین روش‌های نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری با حداکثر تنوع استفاده شده است. در این مطالعه از تکنیک مصاحبهٔ نیمه‌ساخت‌یافته برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. در فرایند گردآوری داده‌ها از دو رویکرد اتیک^۱ و امیک^۲ بهره گرفته شده است. در رویکرد اتیک، پژوهشگر در مقام یک شهروند و عضوی از میدان مطالعه در میدان حضور می‌یابد و بدون آنکه مشارکت‌کنندگان متوجه هویت پژوهشگر شوند به مشاهده و واکاوی میدان می‌پردازد. بعد از کسب داده‌های اولیه، شرایط برای در میان نهادن فرایند پژوهش با ذی‌نفعان و کنشگران میدان فراهم آمد و اقداماتی از قبیل مشاهدهٔ مشارکتی، کنش متقابل، مصاحبه، و کار میدانی انجام گرفت. تحلیل داده‌ها به تحلیل مضمون و با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا^۳ صورت پذیرفت. تحلیل داده‌ها به روش مضمونی شامل شش مرحله آشنایی با داده‌ها، تولید کدهای اولیه، جست‌وجوی تم‌ها، بازنگری تم‌ها، تعریف و نام‌گذاری تم‌ها، و در نهایت گزارش‌نویسی و تحلیل نهایی است.

۵. توصیف مشارکت‌کنندگان

مشارکت‌کنندگان شامل ۳۴ نفر از فعالان (مدیران و اعضای) سمن‌های سردشت بودند که بر حسب معیارهای زمینه‌ای- چون سن، جنس، تحصیلات، سابقهٔ فعالیت در سمن- جهت مصاحبه انتخاب شدند. از مجموع ۳۴ نفر مصاحبه‌شونده ۶ نفر زن و ۲۸ نفر مرد بودند. میانگین توزیع سنی مشارکت‌کنندگان ۴۷ سال بود. بالاترین فراوانی متعلق به ردهٔ سنی ۴۶ تا ۵۳ و پایین‌ترین مربوط به ردهٔ سنی ۳۰ تا ۳۷ بود. به لحاظ سطح تحصیلات، ۳۸ و ۳۵ درصد مشارکت‌کنندگان دارای تحصیلات کارشناسی و کارشناسی‌ارشد بودند. پایین‌ترین مشارکت مربوط به دارندگان با سطوح تحصیلی زیر دیپلم (سیکل) و دکتری بود.

۶. یافته‌های پژوهش

۶.۱. راهبردهای تولید سرمایه اجتماعی

سؤال اصلی پژوهش این است که سمن‌ها در تولید و بسط سرمایه اجتماعی چگونه ایفای نقش کرده و چه راهبردهایی اتخاذ کرده‌اند؟ بر مبنای پیشینهٔ نظری، رسالت سمن‌ها افزایش ظرفیت نظام اجتماعی و به عبارتی تولید سرمایه اجتماعی و محافظت از حوزهٔ عمومی است. همان‌گونه که در جدول ۱ آمده است، بنا به روایت مشارکت‌کنندگان، سمن‌ها به میانجی راهبردهایی چون «اشتراک ارزشی و هنجاری»، «اقدام جمعی»، «شبکه‌سازی اجتماعی»، و «اعتماد اجتماعی» به تولید سرمایه اجتماعی کمک کرده‌اند.

۶.۱.۱. اشتراک ارزشی و هنجاری

یکی از مؤلفه‌های محوری سرمایه اجتماعی اشتراک در معانی و ارزش‌ها و هنجارهایی است که مقوم فعالیت مدنی‌اند و فعالیت و مشارکت اجتماعی را به مثابهٔ فضیلت مدنی در جامعه ترویج می‌دهند؛ ارزش‌ها و هنجارهایی که به بازسازی و ترمیم و تحکیم مناسبات جمعی و همبستگی اجتماعی کمک می‌کنند. بنا به روایت فعالان مدنی، سمن‌های مورد مطالعه از طریق «بازاندیشی در قواعد اجتماعی»، «ذوب افق‌ها»، «خسونت‌زدایی»، و «تقویت همدلی» در لایه‌های مختلف اجتماع اشتراک ارزشی و هنجاری را در دستور کار قرار داده‌اند. یکی از اعضای انجمن تیروز، که از سال ۱۳۸۴ در حوزهٔ اجتماعی فعالیت دارد، روایت خود را از چگونگی ورود زنان به ورزش کوهنوردی برای اولین بار در سردشت چنین بیان می‌کند: «انجمن تیروز با تلاش مضاعف توانست در سال ۱۳۸۹ دریچهٔ تازه‌ای بر روی بانوان برای ورود به کوهنوردی بگشاید. تا قبل از این، خبری از حضور آن‌ها در میان کوهنوردان سردشتی نبود و با تکیه بر این اعتماد هر سال بر تعداد اعضای زنان انجمن‌ها افزوده شد. امروز زنان خودشان یک گروه مستقل کوهنوردی دارند.» (کد ۱۵).

۱. در رویکرد اتیک (Etic) مردم‌نگار از بیرون به موضوع پژوهش نگاه می‌کند و زبان علمی در توصیف و تحلیل اولویت دارد.

۲. در رویکرد امیک (Emic) مردم‌نگار از طریق مشاهدهٔ مشارکتی غرق در موضوع پژوهش می‌شود و به دنبال درک معانی و دلایل کردار است.

جدول ۱. کدهای اولیه، مقولات فرعی، و تم‌های اصلی تولید سرمایه اجتماعی

تم اصلی	تم فرعی	کدهای اولیه
اشتراک ارزشی و هنجاری	بازاندیشی در قواعد اجتماعی	حذف هنجارهای افتراقی، ایجاد هنجارهای اجتماعی، رفع نگاه سلبی تقابل دولت و سمن، حذف خشونت، تقویت همدلی
	وفاق جویی	تاب‌آوری، هماهنگی، صلح و آشتی، همدلی و همکاری، دوستی، میانجیگری، تنظیم روابط نهادهای مدنی و دولتی، تقویت رابطه عوام و خواص، مفاهمه
	دیگرخواهی	پرهیز از سوءاستفاده، کنشگری مدنی، مسئولیت‌پذیری بالا، پرهیز از خودمداری
	فرهنگ‌سازی	ترغیب و تشویق مردم به کنشگری مدنی، جذب خیرین و مساعدت آنان، پرورش هنرجویان، تکوین نهادهای مدنی و نیروی متخصص، آگاهی و آموزش
کنش جمعی پیوسته	همیاری اجتماعی	به‌کارگیری استعدادهای کمک به ادارات هنگام بلایا، همکاری با مراکز نیکوکاری، همکاری توانگران مردمی و کنشگران مدنی، یاریگری
	مشارکت اجتماعی	اجرای برنامه‌های مشترک، همکاری بین‌گروهی، حضور افراد با علایق متفاوت
	مسئولیت‌پذیری اجتماعی	تحصیلات پایین مانع ایفای مسئولیت‌پذیری، رفع مشکلات اقتصادی- اجتماعی مانع کنشگری اجتماعی، افول مسئولیت‌های اجتماعی، احساس مسئولیت، رشد مدنی، تمجید مصلحان اجتماعی، فرصت‌سازی
شبکه‌سازی اجتماعی	شبکه‌سازی	شبکه اجتماعی و مجازی: مجرای شناسایی و خلق مسئله، کانال ارتباطی، بسط شهروندی، روشنگری، شبکه‌سازی و کار تیمی، راه‌اندازی کمپین، توسعه تعامل با مردم و دستگاه‌های اجرایی
	دعوت به مشارکت	ارتباط با اشخاص متخصص و طرح درخواست مدنی، سابقه دعوت به کار مدنی، دعوت از دوستان و ایجاد انجمن نیکوکاری، ترغیب و تشویق مردم به کنشگری مدنی
	به‌کارگیری توان یاریگری سنتی و مدرن	بهره‌گیری از ظرفیت هیئت‌ها و روش‌های سنتی، فضای مجازی و نهادهای مدنی در کنار شیوه‌های سنتی، هیئت‌های دینی مکمل نهادهای مدنی
اعتمادسازی	بهره‌گیری از شخصیت‌های معتمد	جذب شخصیت‌های معتبر، ارتباط با چهره‌های ماندگار، جذب متخصصین، جذب خیرین، جذب پیشکسوتان فرهنگی
	اعتمادسازی اجتماعی	تعاملات مدنی، جلب اعتماد مردم و مسئولان، شفاف‌سازی، پرهیز از تأخیر در امور مدنی

بنیاد توسعه صلح و مهربانی، که از سال ۱۳۸۱ فعالیت‌های خود را آغاز کرده است، خشونت‌زدایی و ترویج آشتی در سطح جامعه را در برنامه‌های مختلف در دستور کار خود قرار داده است: «ما از طریق گردهمایی‌های کنشگران مدنی و پیوند آن‌ها با نهادهای رسمی کاهش خشونت و تقویت همدلی و آشتی را دنبال کرده‌ایم.» (کد ۴).

یکی دیگر از فعالان بنیاد توسعه صلح و مهربانی به موضوع تغییر هنجارهای اجتماعی در فعالیت‌های بنیاد چنین اشاره کرده است: «انجمن‌ها قادرند رأی و نظر مقامات را در رابطه با یک موضوع تغییر دهند. در واقع مؤسسه‌های مدنی بر تغییر رفتارهای نابهنجار مؤثرند و می‌توانند رفتارهای بهنجار را در جامعه بسط و توسعه دهند.» (کد ۱۵).

«مصالحه»، «میانجیگری»، و «مفاهمه» با هدف تقویت اشتراک ارزشی و هنجاری در سطح جامعه و در بین نهادهای مدنی در اظهارات تعدادی از فعالان مدنی نمایان است. یکی از اعضای مرکز نیکوکاری نور فرهنگیان در این باره چنین اظهار می‌دارد: «اگر کسی به من مراجعه کرده تا برای رفع کدورت و اختلاف اجتماعی پیش‌قدم شوم و مشکلمان را حل کنم با مشورت دوستان سعی کرده‌ام به خاطر رضای پروردگار مشکل را حل‌وفصل کنم.» (کد ۲۴).

یکی از اعضای انجمن تیروژ تلاش خود برای ایجاد مودت را چنین بازگو می‌کند: «... شخصاً، بیش از ده بار برای وحدت و دوستی در بین مردم و حتی در بین انجمن‌ها پیش‌قدم بوده‌ام.» (کد ۱۵).

یکی از اعضای انجمن حمایت از بیماران خاص به تقویت همدلی به عنوان وظیفه ذاتی انجمن‌ها اشاره کرده است: «تقویت همدلی و یکرنگی و خدمت کردن به انجمن را وظیفه خود می‌دانیم.» (کد ۱۹).

«وفاق جویی» در قالب تعیین اهداف مشترک، تنظیم روابط نهادی، و تقویت روابط سمن‌ها با نخبگان مورد توجه برخی از سمن‌ها بوده است. یکی از اعضای انجمن موسیقی سردشت در این باره چنین اظهار نظر کرده است: «باید اهداف مشترک و منافع اجتماعی مرور و یادآور شود. زمانی که همگی بدانند برای یک هدف تلاش می‌کنند و مسئولیتی در قبال اجتماع دارند چنددستگی‌ها کمرنگ می‌شوند. همکاری و همدلی مؤثر است.» (کد ۱۳).

«تنظیم روابط نهادی» به عنوان پیش‌درآمد فعالیت انجمن نمایش از زبان یکی از اعضای انجمن چنین بیان شده است: «ارتباط با ادارات ضروری است. حساسیت‌های امنیتی کمتر می‌شود و اعتبارات لازم برای برگزاری برنامه‌ها راحت‌تر جذب می‌شود.» (کد ۱۳).

«دیگرخواهی» به مثابه تم فرعی هنجارهای مروج فضیلت مدنی دغدغه کنشگران مدنی بوده است. یکی از اعضای مرکز نیکوکاری نور فرهنگیان عدم سوءاستفاده از دارایی‌ها و امکانات عمومی را یک ضرورت می‌داند: «کارهایی که انجام می‌دهیم فقط برای رضای پروردگار باشد. سوءاستفاده شخصی نداشته باشیم. حس دوستی و رفاقت را بیشتر کنیم و مردم را در این راستا ترغیب نماییم.» (کد ۲۴).

«فرهنگ‌سازی» از طریق آگاهی‌بخشی و آموزش‌های مدنی و پرورش هنرجو و تربیت نیروی متخصص مورد توجه فعالان مدنی قرار گرفته است که در اینجا به فعالیت‌های انجمن سواد رسانه‌ای و مسئولیت اجتماعی و انجمن ادبی سردشت می‌پردازیم: «بی‌گمان سمن‌ها می‌توانند بسیار مؤثر باشند. از طریق روشنگری در زمینه حقوق و تکالیف شهروندی دغدغه مسئولیت‌پذیری را در میان شهروندان زنده نگه داشته‌ایم.» (کد ۱۷)؛ «آموزش مسئولیت اجتماعی را از مدارس ابتدایی شروع کرده‌ایم و به صورت تئوری و عملی مباحثی در حوزه محیط زیست و سلامت آموزش می‌دهیم.» (کد ۲۵).

۶.۱.۲. کنش جمعی پیوسته

یکی از مؤلفه‌های بنیادی سرمایه اجتماعی تقویت کنش‌های جمعی پیوسته و برانگیختن مشارکت شهروندان در حل مشکلات محلی (اقدام جمعی) است. اقدام جمعی و کنش پیوسته بازنمای بهره‌گیری از خرد و تجارب جمعی و بسط هویت‌های جمعی افراد در سطح هویت محله‌ای و شهروندی و هویت ملی است.

«همیاری اجتماعی» به عنوان یکی از تم‌های فرعی اقدام جمعی از طریق تشکیل ائتلاف، تعامل و یاریگری، و همکاری سمن‌ها با هم و با نهادهای رسمی مورد توجه برخی از سمن‌ها بوده است. یکی از اعضای انجمن کوهنوردی به همراه ساختن مردم در فعالیت‌های زیست‌محیطی چنین اشاره می‌کند: «انجمن با همراه ساختن مردم در فعالیت‌های زیست‌محیطی و در مهار آتش‌سوزی‌های گسترده جنگل‌ها و نجات افرادی که در زیر بهمن گرفتار شدند وجهه خوبی دارد و مردم به چشم همیار به انجمن می‌نگرند.» (کد ۱۰).

در بنیاد توسعه صلح و مهربانی، ائتلاف با سمن‌های خارج از سردشت مورد توجه قرار گرفته است: «با ارتباطی که با جمعیت امام علی برقرار کردیم موفق به تهیه سبد غذایی برای نیازمندان سردشت شدیم.» (کد ۴).

یکی از اعضای انجمن نشاط (فعال در حوزه آسیب‌های اجتماعی) به ضرورت ائتلاف بین‌انجمنی اشاره کرده است: «نهادهای باید ائتلاف تشکیل دهند و در اجرای برنامه‌های همدیگر مشارکت و همکاری داشته باشند.» (کد ۳۵).

نهادهای مدنی برآیند مسئولیت‌پذیری اجتماعی کنشگران مدنی‌اند و با کنشگری خود به ترویج مسئولیت‌پذیری اجتماعی کمک می‌کنند. تهیه ملزومات نیازمندان، مدنیت و احساس تعلق اجتماعی، تقویت حوزه عمومی، و ترجیح خیر عمومی ناظر بر احساس مسئولیت اجتماعی در روایت کنشگران مدنی مورد مطالعه بود. یکی از اعضای انجمن کوهنوردی در این خصوص چنین اظهار می‌دارد: «مسئولیت اجتماعی با مشارکت دادن و عضویت مردم در انجمن‌ها تقویت خواهد شد. تلاش کردیم مردم را با نقش اجتماعی‌شان بیشتر آشنا کنیم.» (کد ۱۰).

عضو انجمن موسیقی نیز دشواری معیشتی را در زوال رسالت اجتماعی مؤثر می‌داند: «بی‌ثباتی مالی باعث شده وظایف اجتماعی را زیاد اهمیت ندهند. این مشکلات دامن‌گیر جامعه شده است و در این شرایط ترغیب به رسالت اجتماعی سخت است.» (کد ۱۳).

۶.۱.۳. شبکه‌سازی اجتماعی

شبکه اجتماعی بر ساختار و گستره روابط اجتماعی دلالت دارد و مشخص‌کننده دایره تعلقات جمعی افراد است. ساختار روابط اجتماعی بر روابط اجتماعی با شبکه‌های غیررسمی، بینابینی (انجمنی)، و رسمی دلالت دارد. «شبکه‌سازی» به عنوان مولفه اصلی

سرمایه اجتماعی از ضرورت‌های جامعه معاصر به حساب می‌آید و فعالان مدنی از رهگذر راه‌اندازی کمپین، کار تیمی، فعالیت‌های گروهی به گسترش ساخت روابط اجتماعی فراتر از مرزهای خویشاوندی و قومی و عشیره‌ای اهتمام ورزیده‌اند. بنیاد توسعه صلح و مهربانی با اجرای برنامه‌های گروهی و دعوت به همراهی سمن‌ها و سلاقی مختلف به تقویت پیوندهای اجتماعی کمک کرده است: «کمپینی را هم به نام کمپین مهربانی‌های کوچک به راه انداخته بودیم که ما در تمام شهرهای ایران و تعدادی از کشورهای همسایه نماینده داشتیم که هر عمل مهرورزانه‌ای را به‌روز در میان مردم منتقل می‌کردند.» (کد ۴)؛ «ما حتی گردهمایی کوهنوردان را به مناسبت هفت تیر راه انداختیم که بهانه‌ای باشد برای صمیمیت و مهربانی بیشتر میان کنشگران مدنی سردشت و شهرهای دیگر.» (کد ۴).

«شبکه مجازی» برای ترمیم و بسط روابط اجتماعی مورد توجه انجمن خیرین سلامت قرار گرفته است: «از تمامی امکان‌های موجود، از سمینار و همایش و جلسات ترغیبی گرفته تا به‌کارگیری شبکه‌های اجتماعی، واتساپ، و تلگرام، برای برقراری ارتباط با مردم و درگیر ساختن و آشنا ساختن با همدیگر استفاده می‌کنیم.» (کد ۵).

یکی از اعضای انجمن موسیقی به نمونه‌ای از شبکه‌سازی انجمنی برای پیشبرد آیین بزرگداشت چنین اشاره می‌کند: «نمونه‌ای از همکاری انجمن موسیقی و انجمن ادبی آیین بزرگداشت استاد خضر قادری، از اساتید و تاریخ زنده موسیقی کردستان، بود که به ایشان مدرک درجه ۱ هنری اهدا گردید.» (کد ۱۳).

به گفته عضو انجمن ققنوس (فعال در حوزه اجتماعی) ارتباط بین‌انجمنی در پیشبرد کارها مؤثر است: «در انجمن ققنوس سعی بر همکاری با سایر سمن‌ها بوده است. با انجمن سبز در پاک‌سازی آبشار شلماش، با انجمن مصدومین شیمیایی در برگزاری همایش مین و با انجمن تیروز در برگزاری مسابقات فکری کودکان و شطرنج بزرگسالان و با انجمن ژینگه در کاشت بلوط و با انجمن‌های خیریه در کمک‌رسانی مشارکت داشته‌ایم.» (کد ۹).

«به‌کارگیری توأمان یاریگری سنتی و مدرن» (تلفیق‌گرایی)، تم فرعی شبکه‌سازی اجتماعی، بر بهره‌گیری سمن‌ها از شیوه‌های سنتی یاریگری در کنار شیوه‌های مدرن یاریگری دلالت دارد و تعدادی از سمن‌ها از این ظرفیت برای فعالیت مدنی بهره گرفته‌اند: «در سردشت، روش‌های کدخدانمنشی و ریش‌سفیدگری همچنان بیشتر از شیوه‌های جدید مانند انجمن‌ها مورد توجه است و هنوز اکثر مشکلات با کدخدانمنشی حل می‌شود.» (کد ۹، مرکز نیکوکاری پیوند مدارس)؛ «با توجه به نقش رسانه‌های اجتماعی و فضای مجازی در شناسایی جامعه هدف و فراخوان‌ها می‌توان بیش از قبل استفاده کرد. البته کدخدانمنشی هم بسیار تأثیرگذار است.» (کد ۲۲، مرکز نیکوکاری پیوند مدارس).

سمن‌های سردشت از طریق «فراخوانی» و دعوت به مشارکت در کارهای عام‌المنفعه به ترغیب مردم به کنشگری و جذب خیرین و جلب مساعدت متخصصین پرداخته‌اند. یکی از اعضای انجمن کوهنوردی گیارنگ سردشت فعالیت‌های انجمن را این‌گونه تشریح می‌کند: «برگزاری سمینارهای داخلی برای اعضا با حضور شخصیت‌های اندیشمند، برگزاری کارگاه‌های آموزشی، برگزاری کنفرانس، دیدوبازدیدهای میدانی، و ترغیب به کنشگری مدنی را در دستور کار قرار دادیم.» (کد ۱۵).

عضو بنیاد صلح و مهربانی‌های کوچک بهره‌گیری از ظرفیت افراد بهره‌مند از سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی و شبکه‌سازی اجتماعی را در بنیاد چنین روایت می‌کند: «جمعی از افراد خوش‌نام مثل خانم منیره پوری، کاوه خضری، حاج حسن قادری، حاج علی شریعتی از همکاران آموزش و پرورش را دعوت نمودم به همراه مسئول آموزش و پرورش وقت. اعلام کردیم که می‌خواهیم یک انجمن نیکوکاری راه‌اندازی کنیم و آن‌ها با ما همراهی کردند.» (کد ۵).

۴.۱.۶. اعتمادسازی

نزد صاحب‌نظران سرمایه اجتماعی، اعتماد از اجزای کلیدی روابط اجتماعی و بُعد کیفی روابط اجتماعی به حساب می‌آید. اهمیت کیفیت روابط در کنار ساختار روابط (شبکه‌های اجتماعی) از این واقعیت نشئت می‌گیرد که تنها شبکه‌هایی با کیفیت و خصایص مشخص، که هنجارهای خاصی نظیر صداقت و اعتماد اجتماعی را در خود دارد، می‌توانند سرمایه اجتماعی کارآمدی را در جهت بسط گستره روابط اجتماعی بین‌گروهی در پی داشته باشند. بر مبنای روایت فعالان مدنی، سمن‌ها از دو طریق به اعتمادسازی اجتماعی پرداخته‌اند: نخست، از طریق جذب و به‌کارگیری شخصیت‌های معتبر و چهره‌های ماندگار تلاش کرده‌اند هم ضریب

نفوذ اجتماعی سمن را ارتقا ببخشند هم هویت و پایگاه اجتماعی خود را تقویت کنند. مرکز نیکوکاری فاطمه زهرا، مرکز نیکوکاری پیوند مدارس، انجمن تیروژ، باشگاه کوهنوردی گیارنگ، انجمن نشاط، بنیاد توسعه صلح و مهربانی، و انجمن ققنوس به اعتماد به عنوان ضرورت و نقطه قوت سمن‌ها اشاره کرده‌اند. یکی از اعضای مرکز نیکوکاری پیوند مدارس بهره‌گیری از ظرفیت معتمدان شهر را چنین روایت می‌کند: «مجموعه‌ای از شخصیت‌های معتمد را دعوت کردم که بیایند و یک انجمن نیکوکاری را راه‌اندازی کنیم که مشکل این دانش‌آموزان را حل نماییم. خانم منیره پوری، کاک کاوه خضری، حاج حسن قادری، حاج علی شریعتی از همکاران خوش‌نام آموزش و پرورش را دعوت نمودم و همراه مسئول آموزش و پرورش وقت اعلام کردیم که ما می‌خواهیم یک انجمن این‌چنینی راه‌اندازی کنیم و برایشان توضیح دادم که ما می‌توانیم.» (کد ۴)؛ «نقطه قوت انجمن‌های ما وجود شخصیت‌های علاقه‌مند، دلسوز، و قابل اعتماد است.» (کد، انجمن تیروژ ۱۵).

علاوه بر جذب افراد متخصص و معتمد، سمن‌ها از طریق شفافیت در عملکرد، جلب اعتماد مردم و مسئولان، و پرهیز از تأخیر در امور مدنی به تقویت اعتماد اجتماعی اهتمام داشته‌اند: «اعتماد مردم و کارایی بالا نقطه قوت سمن است.» (کد ۳۲، مرکز نیکوکاری فاطمه زهرا)؛ «تعامل اجتماعی با مردم، تعامل سازنده با ادارات عامل اعتمادسازی است.» (کد ۳۵، انجمن نشاط)؛ «بیشترین فعالیت در سمن ما معطوف به تعامل مردم و مسئولین با هدف ایجاد اعتماد بود.» (کد ۹، انجمن ققنوس)؛ «سمن ما به دنبال ارتقای اعتماد، آگاهی، و ارائه بهترین راه‌حل‌های ممکن است.» (کد ۲۹، باشگاه کوهنوردی گیارنگ).

۲.۶. تجارب سرمایه‌زا

یکی از موضوعات محوری پژوهش حاضر این بود که فعالیت فعالان مدنی در سمن‌های سردشت چه دلالت‌هایی برای تولید سرمایه اجتماعی در میدان مورد مطالعه داشته است و تا چه اندازه این فعالیت‌ها سرمایه‌زا و سرمایه‌زدا بوده است؟ بر مبنای روایت فعالان مدنی، سمن‌ها از طریق «عام‌گرایی»، «الگوسازی»، «فرهنگ مشارکت»، «وارستگی مبنای عضوگیری»، «روایتگری ترومای جمعی»، «هدف‌گذاری مشترک»، و «بسط شبکه روابط انجمنی» تجارب سرمایه‌زایی اندوخته‌اند.

جدول ۲. کدهای اولیه، مقولات فرعی، و تم اصلی تجارب سرمایه‌زا

تم اصلی	تم‌های فرعی	کدهای اولیه
	عام‌گرایی	مشارکت بدون لحاظ نگرش و طیف، شبکه‌های مجازی و بسط کنشگری، رفع موانع مذهبی و اثنیکی در ارتباط، بسط ارتباط، خروج از سرمایه اجتماعی قدیمی
	الگوسازی	الگوپذیری از افراد شاخص، نقش الگویی سمن در عضوگیری و تربیت اعضا، کنش بدون چشم‌داشت
	فرهنگ مشارکت	احیای دوباره یاریگری سنتی، پذیرش درخواست عضویت و همکاری، شرکت در مراسم‌ها، حضور فراگیر، مشارکت بین‌گروهی
تجارب سرمایه‌زا	وارستگی مبنای عضوگیری	اعتبار و خوش‌نامی اعضا، شخصیت اعضا مبنای ارزیابی سمن، صداقت متولی سمن، شخصیت اعضا عامل شهرت سمن، و جاهت اعضا
	هدف‌گذاری مشترک	کار گروهی با اهداف و انگیزه‌های مشترک، همراهی با کنشگران دارای هدف مشترک، کنشگری در گروه تخصصی هم‌هدف
	روایتگری تجارب تروماتیک	روایت جنگ و آوارگی و بی‌خانمانی، یادآوری فجایع، بازگویی آسیب‌های جمعی به قصد انذار، روایت مصائب
	بسط شبکه روابط انجمنی	ضرورت ائتلاف بین‌انجمنی، همکاری و هم‌سویی بین‌انجمنی، سرمایه برون‌گروهی، ضرورت تقویت روابط و همکاری بین سمن‌ها

تم «عام‌گرایی» در قالب مضامین توسعه مشارکت بدون لحاظ تعلقات طیفی و نگرشی، توسعه کنشگری برخط، برقراری روابط بدون لحاظ عشیره و قومیت، و گذار از مناسبات محدود و بسط روابط بین‌گروهی مورد توجه برخی از سمن‌ها بوده است: «ما (بنیاد صلح و مهربانی) انجمن بلوطبانان پا به رکاب را راه‌اندازی کردیم که شهروندان با هر نوع نگاه و طیفی در آن مشارکت دارند.» (کد ۴، عضو بنیاد صلح و مهربانی)؛ «شبکه همدلی را راه‌اندازی کردیم. اعضای این شبکه فعالان مدنی و مسئولان هستند. برای دولت‌مردان فعال مدنی تابو است. خواستیم اعلام کنیم سمن ضرورت اجتماعی است نه تهدید.» (کد ۴، عضو بنیاد صلح و مهربانی)

صلح و مهربانی)؛ «دو بار از هیروشیما نمایندگانی برای حضور در برنامه‌هایمان به سردشت آمدند و متقابلاً اعضای انجمن مصدومین در مراسم یادبود سالانهٔ بمباران هیروشیما حضور پیدا کردیم.» (کد ۲، عضو انجمن دفاع از حقوق مصدومین شیمیایی). اغلب سمن‌ها، با دعوت از افراد شهیر، به الگوسازی و ترویج فعالیت مدنی کمک کرده‌اند: «احساس مسئولیت از سوی افراد شاخص انسان را تشویق به خدمات و پذیرفتن اموری می‌کند که شاید دولت به دلایلی در آن ورود پیدا نکند. افراد شاخص این خلأ را پر می‌کنند.» (کد ۸، عضو انجمن ققنوس)؛ «همراهی افراد شاخص در انجمن کتابخانه‌ساز مردم را به پذیرفتن وظایفی سوق داد که دولت به دلایلی حاضر به سرمایه‌گذاری در آن نبود و لذا این افراد این خلأ را پر کردند.» (کد ۳، عضو انجمن خیرین کتابخانه‌ساز).

برخی از فعالان مدنی سردشت رشد و احیای جامعه را در پرتو «ترویج همکاری» می‌بینند و «هه‌روهه‌ز» به عنوان نمادی از مشارکت سنتی پیش‌درآمد مشارکت در سردشت بوده است: «در قدیم احساس مسئولیت در قبال خدا و دین مطرح بود. نیازی به تکاثر ثروت و نیازی به اهدافی خاص و گاهاً شوم نداشتند. لذا کار را بر عهده می‌گرفتند و سایرین نیز پشت سرشان آمادهٔ خدمت بودند. مانند هیئت امنای مساجد و به زبان ساده‌تر هه‌روهه‌ز داشتند.» (کد ۸، عضو انجمن خیرین کتابخانه‌ساز)؛ «در منطقهٔ ربط کسی را نیاز داشتند که با آن‌ها همکاری کند و درخواست عضویت را از من نمودند و من هم در خدمتشان بودم و با هم کار و فعالیت را شروع کردیم.» (کد ۵، عضو انجمن خیرین سلامت).

در اغلب سمن‌ها با هدف اعتباربخشی و افزایش ضریب نفوذ اجتماعی به «حسن‌نیت، شهرت، خوش‌نامی» و «وارستگی» به عنوان صفات اعضا توجه کرده‌اند: «توجه به خوش‌نامی اعضای انجمن و تلاش و پیگیری مسائل مربوط به مرکز. توانستیم افراد خیر زیادی را جذب کنیم و از هدایای این عزیزان به نیازمندان کمک نماییم.» (کد ۲۴، عضو مرکز نیکوکاری نور فرهنگیان)؛ «... افرادی هم هستند که به سمن‌ها بی‌اعتماد هستند و به افراد شاخص و سرشناس اعتماد می‌کنند تا به سمن‌ها. سعی کردیم تعداد این افراد را در سمن بیشتر کنیم.» (کد ۳۴، عضو مرکز نیکوکاری بانوان سبز سردشت)؛ «شهر ما کوچک است و اکثراً همدیگر را می‌شناسند و اکثراً بر اساس شناختی که شخصیت افراد و اعضای سمن‌ها دارند در این مورد تصمیم‌گیری می‌کنند و انجمن‌ها را ارزیابی می‌نمایند.» (کد ۱۹، انجمن ندای فرهنگیان انفس).

«هدف‌گذاری مشترک» و «تخصصی شدن» از تمهیدات سمن‌ها با هدف تقویت کار گروهی و جلب مشارکت اجتماعی بوده است: «اهداف و انگیزه‌های مشترک مبنای کار گروهی و سرمایهٔ اجتماعی است.» (کد ۲۶، کانون فرهنگی-اجتماعی بانوان)؛ «حوزهٔ آسیب‌های اجتماعی کنشگری جمعی با اهداف مشترک را می‌طلبد و تلاشم برای کمک به افرادی که به سوی مواد مخدر گرایش پیدا کرده بودند صدچندان شد.» (کد ۳۵، انجمن نشاط)؛ «برای ایجاد فرصت جهت رشد و شکوفایی استعدادها و حفظ منزلت و کرامت ذی‌نفعان نیازمند تخصصی کردن کارها و مشایعت اهل فن و کنشگران هم‌هدف هستیم.» (کد ۱۲، انجمن موسیقی سردشت).

سردشت مشکلات و مصائب فراوان و رویدادهای تلخ و تکان‌دهندهٔ زیادی را به خود دیده است. فعالان مدنی با «روایتگری تجارب تروماتیک» ضرورت همدردی و همراهی و همکاری جمعی را یادآوری کرده‌اند: «من در شهری زندگی می‌کنم که اولین شهر غیرنظامی قربانی بمباران شیمیایی در جهان است؛ شهری که مردم مدنی در آن بمباران شیمیایی شد!» (کد ۴، بنیاد توسعهٔ صلح و مهربانی)؛ «برای شهرمان فعالیت داشته باشیم و از سرگذشتش باخبر شویم؛ از جمله حملهٔ روس‌ها به سردشت که آن زمان مردان نامی شهر را در خانهٔ یکی از اهالی با کبریت آتش زدند.» (کد ۲، انجمن دفاع از حقوق مصدومین شیمیایی).

«گسترش روابط بین‌انجمنی» با هدف بهره‌گیری از تجارب جمعی و افزایش اثربخشی مورد توجه برخی از سمن‌ها بوده است: «فلسفهٔ وجودی همهٔ ارائهٔ خدمت است. به همین دلیل انجمن دفاع از حقوق مصدومین شیمیایی سردشت پیشنهاد تشکیل ائتلاف انجمن‌های سردشت را مطرح کرد که انجمن‌ها جلسات مشترکی داشته باشند و از فعالیت‌های خود گزارش بدهند و تبادل تجربه کنند.» (کد ۲، انجمن دفاع از حقوق مصدومین شیمیایی)؛ «فعالیت ما فرهنگی و هنری است. سعی کردیم با تمام انجمن‌های فعال رابطه و همکاری داشته باشیم و توانستیم هنرمندان را به هم نزدیک کنیم و الگویی برای انجمن‌های دیگر باشیم.» (کد ۱۱، بنیاد توسعهٔ صلح و مهربانی).

۳.۶. تجارب سرمایه‌زدا

بر مبنای روایت مشارکت‌کنندگان، سرمایه اجتماعی در میان برخی از سمن‌ها بر حسب تم‌ها و مضامینی چون «تخریب کنشگران با انگیزه خوش خدمتی»، «بی‌اعتمادی»، «محفل‌سازی و حلقه‌گرایی»، «ترجیح منافع شخصی»، و «زیست جزیره‌ای» افول یافته است.

جدول ۳. کدهای اولیه، مقولات فرعی، و تم اصلی تجارب سرمایه‌زدا

تم اصلی	تم‌های فرعی	کدهای اولیه
تخریب سمن‌زدا	تخریب	منفی‌نگری، مخالفت، ستیزه‌جویی، سنگ‌اندازی، کارشکنی و مخدوش‌سازی فعالان مدنی، عدم شفافیت، تردید، بدگمانی، عدم شناخت سمن‌ها، اتهام به کنشگران مدنی، بدبینی سمن‌ها به یک‌دیگر
	محفل‌سازی و حلقه‌گرایی	چنددستگی و عدم پذیرش یک‌دیگر، تیم‌سازی و باندبازی، عدم رای‌زنی و فاصله‌اندازی میان سمن‌ها، دیوارکشی و مانع‌تراشی
	ترجیح منافع شخصی	منفعت‌طلبی شخصی، کنشگران مدنی به مثابه افراد سودجو، تحمیل علایق فردی، تمنایات فردی از سمن
	زیست جزیره‌ای	ضعف نشست، عدم ائتلاف سمن‌ها با هم، ضعف تعامل و ارتباط میان سمن‌ها
	گسست سرمایه‌نهادی	عدم همکاری مسئولان با سمن‌ها، عدم پذیرش سمن‌ها در ادارات، نادیده انگاشتن، بی‌اعتمادی نهادهای اجرایی به سمن‌ها
	زوال مدارا	اختلاف اجتماعی، اعمال نظر شخصی، ضعف دگراندیشی، ضعف دگرپذیری و رواداری مدنی، ضعف روابط بین‌گروهی

«تخریب کنشگران» از جمله مضامین مورد اشاره مشارکت‌کنندگان بود؛ اینکه عده‌ای با انگیزه خوش خدمتی و ستیزه‌جویی و سنگ‌اندازی در میان سمن‌ها نوعی منفی‌نگری را نسبت به سمن‌ها ترویج می‌دهند: «... در هر دوره‌ای یکی از سمن‌ها چشمگیرتر از بقیه فعالیت کرده سمن‌های دیگر، به جای همراهی، متأسفانه سد راه شده‌اند و به جای نقد سنگ‌اندازی و مانع رشد شده‌اند!» (کد ۴، انجمن خیرین سلامت)؛ «اقلیتی به خاطر منافع شخصی وجود سمن‌ها را سودمند نمی‌بینند و اغلب اوقات با این نهادهای مدنی کدورت داشته و ساز مخالف می‌زنند.» (کد ۱۵، انجمن کوهنوردی گیارنگ سردشت).

تردید، بدگمانی، کارشکنی، و مخدوش‌سازی فعالیت مدنی از دیگر مضامین مورد اشاره فعالان مدنی بود: «چندین سال قبل خبرنگاری را فرستاده بودم تا در خصوص عوامل ترک تحصیل دختران منطقه مصاحبه‌هایی با مردم روستا انجام دهد. معلم این روستا خبرنگار را تهدید و مردم را تحریک کرده بود که از مصاحبه خودداری کنند. گفته بود که این خطرناک است.» (کد ۵، بنیاد صلح و مهربانی‌های کوچک)؛ «... نسبت به ما و تعدادی از انجمن‌های دیگر حرف‌هایی زده می‌شود. اما خدا را شاهد می‌گیریم و همه آن اشخاصی که با ما در این بنیاد و انجمن‌ها کار می‌کنند و همه آن‌هایی که از طرف ما خدمت دریافت کرده‌اند نیز شاهدند که تبعیضی در کار نبوده است.» (کد ۴، انجمن خیرین سلامت).

از منظر فعالان مدنی، مضامینی چون عدم شناخت، نگاه منفی، جامعه سنتی، و بدبینی و برچسب‌زنی به سمن‌ها و فعالان مدنی موجبات بدگمانی و مخالفت‌ورزی و بی‌اعتمادی را فراهم کرده است: «در ابتدا برایمان خیلی سخت بود. چراکه نگاه به بعضی خیریه‌ها این بود که در حال دزدی هستند و به این خانواده‌ها کمک نمی‌شود. جلب اعتماد مردم بسیار سخت بود. گاهی گریه می‌کردم که چرا این‌گونه قضاوت می‌کنند؟» (کد ۳۱، مرکز نیکوکاری فاطمه زهرا)؛ «به عنوان کسی که کار جمعی می‌کنی گاهی متهم می‌شوی که از مردم سوءاستفاده می‌کنی؛ درحالی‌که باید از جیب و مال و عمر خود هزینه کنی.» (کد ۱۷، انجمن حمایت از بیماران خاص و صعب‌العلاج).

از دیگر مضامین مورد توجه مشارکت‌کنندگان «محفل‌سازی و حلقه‌گرایی» بود. چنددستگی و عدم پذیرش یک‌دیگر، تیم‌سازی و باندبازی، فاصله‌اندازی میان سمن‌ها و دیوارکشی مصادیق حلقه‌گرایی هستند: «در خیابان شارل مارتر در شهر پاریس ۱۷د فتر حزبی وجود دارد و همه در همسایگی یک‌دیگر قرار دارند و ارتباط گرم با هم دارند. یک شخص در اروپا در دهه‌ها انجمن فعالیت می‌نماید. اما در کشور ما و شهر سردشت اگر فلان کس عضو فلان انجمن بود نباید عضو انجمن دیگری باشد. برای نمونه در این روزها برنامه‌ای بود. نگاه کردم خیلی از افرادی که در این عرصه فعالیت دارند حضور نداشتند. چون یا دعوت نشده‌اند یا آن اشخاص را قبول ندارند.» (کد ۵، بنیاد صلح و مهربانی‌های کوچک).

ترجیح منافع شخصی از دیگر مضامین مورد اشاره در روایت مشارکت‌کنندگان بود. تفرقه و چنددستگی به دلیل ترجیح منافع شخصی و تحمیل سلايق فردی از ناحیه برخی از سمن‌ها دنبال می‌شود: «نقطه ضعف انجمن‌ها در این است که تعدادی از اعضای هیئت مؤسس برخی از انجمن‌ها این مراکز را میدانی برای تمثیلات شخصی خود می‌بینند و ملک شخصی خود می‌دانند.» (کد ۱۵، انجمن کوهنوردی گیارنگ سردشت)؛ «عدم همکاری لازم با یک‌دیگر و تحمیل عقاید خود بر دیگران و نبود خانه انجمن‌ها.» (کد ۸، انجمن ققنوس).

«اختلال در روابط نهادی» در روایت مشارکت‌کنندگان به کرات بیان شده است و مضامینی چون ضعف همکاری مسئولان با نهادهای مدنی، نادیده‌انگاری، و عدم پذیرش سمن‌ها بر این مسئله دلالت دارد: «همکاری بین سمن‌ها و دستگاه‌های اجرایی ضعیف است و فقط در حد کسب مجوز و بعضاً بهره‌مندی از سالن‌های ادارات است.» (کد ۱۷، انجمن حمایت از بیماران خاص و صعب‌العلاج)؛ «هرچند در قانون احزاب آمده که ادارات انجمن‌ها را بپذیرند، ولی ظاهر قضیه مسئولان ادارات به انحای گوناگون از امکان زمینه حضور انجمن‌ها در حوزه ادارات خود طفره می‌روند.» (کد ۸، انجمن ققنوس).

به زعم مشارکت‌کنندگان، سمن‌ها در سردشت دچار ضعف در درک متقابل، دگرپذیری، و رواداری هستند و همین مسئله مناسبات بین‌انجمنی را با نوسان و انقطاع همراه کرده است: «چرا همدیگر را قبول نداریم؟! چرا برای فعالیت‌های همدیگر ارزش قائل نیستیم؟! چرا به طرد همدیگر می‌پردازیم؟! اینکه شخصی برجسته خواهد شد به جای آنکه حمایتش کنیم و یا در کنارش ما نیز ارتقا پیدا کنیم سعی در تخریبش می‌نماییم. این پدیده شایع در جامعه ماست.» (کد ۴، انجمن خیرین سلامت).

۷. نتیجه

جمع‌گرایی‌های خاص‌گرایانه، فردگرایی‌های خودخواهانه، غلبه عقلانیت ابزاری و ارزش‌های ابزاری (ثروت و قدرت) بر عقلانیت ارتباطی و ارزش‌های ذاتی (تعهد و معرفت) از آسیب‌هایی است که توسعه اجتماعی را در جامعه به مخاطره می‌اندازد. «توسعه اجتماعی ناظر بر بسط و تحکیم اجتماع جامعه‌ای^۱، اخلاق و تعهد جمعی عام، احترام متقابل و پذیرش تفاوت‌ها، همدلی و اعتماد اجتماعی عام است و اجتماعات انجمنی از کارگزاران اصلی آن به حساب می‌آید.» (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۱۶). گسترش سازمان‌های اجتماع‌محور معادل بسط و گسترش سرمایه اجتماعی است که به همبستگی، اعتماد، تعامل، و حمایت اجتماعی منتج می‌شود (Putnam, 1994: 84). سازمان‌های مردم‌نهاد رابطه مستقیمی با سرمایه اجتماعی به عنوان یک قابلیت اجتماعی هنجاری دارند و از طریق تقویت همراهی و همکاری اجتماعی در سطح بین‌فردی و نهادی (Claridge, 2018: 1) و بهبود مشارکت اجتماعی و شبکه‌سازی اجتماعی (Islam, 2015: 167) به توسعه اجتماعی کمک می‌کنند. بنابراین، سمن‌ها پیوند وثیقی با تکثیر و ارتقای سرمایه اجتماعی و حذف موانع انباشت آن دارند و در هماهنگ‌سازی و سازماندهی ارتباطات اجتماعی سهم قابل توجهی دارند. پژوهش حاضر در چارچوب این مفروضه نظری به دنبال فهم راهبردهای تولید سرمایه اجتماعی در سمن‌های سردشت بود. آنچه بر اهمیت عملی این پژوهش مردم‌نگارانه می‌افزاید به مخاطره افتادن توسعه اجتماعی به دلیل ساختار قطاعی، چندپارگی اجتماعی، مسائل و شکاف‌های اجتماعی در سردشت به عنوان یک جامعه در حال گذار است. هرچند اغلب سمن‌های سردشت با رویکرد رفع مصائب افراد کم‌برخوردار شکل گرفته و ماهیت حمایتی دارند، به عنوان کارگزار توسعه اجتماعی و فرهنگی در بازسازی اجتماعی و تولید سرمایه اجتماعی سهیم بوده‌اند.

در جامعه‌ای که با تعدد و تنوع و تعارض اجتماعات و ارزش‌ها و الگوها و قواعد عمل جمعی روبه‌روست، لازمه کار انجمنی ذوب افق‌ها و «اشتراک ارزشی و هنجاری» است. بر مبنای روایت و تجربه زیسته کنشگران مدنی، تعدادی از سمن‌های سردشت از طریق بازاندیشی قواعد اجتماعی (حذف هنجارهای افتراقی و تأکید بر هنجارهای مقوم فضیلت‌های مدنی نظیر همکاری جمعی، کنش داوطلبانه، بردباری اجتماعی، تعهد اجتماعی)، وفاق‌جویی، دیگرخواهی، ترغیب فعالیت مدنی، و فرهنگ‌سازی به ترویج ارزش‌ها و هنجارهای مقوم همکاری اجتماعی کمک کرده‌اند.

چندگانگی ساختاری و ساخت قطاعی محصول شدت یافتن روابط درون‌گروهی و ضعف روابط برون‌گروهی است. سمن‌ها از طریق شبکه‌سازی اجتماعی (به عنوان دومین مؤلفه سرمایه اجتماعی) به تقویت روابط بین‌گروهی کمک می‌کنند. بر مبنای نتایج، برخی از سمن‌ها از طریق راه‌اندازی کمپین، کار تیمی، دعوت به مشارکت، بهره‌گیری از ظرفیت شبکه‌های اجتماعی مجازی، ارتباط با اشخاص متخصص، و به‌کارگیری توأمان شیوه‌های سنتی و مدرن یاریگری به «شبکه‌سازی اجتماعی» و «روابط اجتماعی تعمیم‌یافته» کمک کرده‌اند.

همدلی و اعتماد اجتماعی بُعد کیفی سرمایه اجتماعی و نشان‌دهنده دایره‌تعلقات جمعی افراد است. جمع‌گرایی‌های خاص‌گرایانه و هویت‌یابی بر مدار شبکه‌های خویشاوندی و مناسبات قومی و عشیره‌ای نشان از ضعف «اعتماد تعمیم‌یافته» دارد. اعتماد تعمیم‌یافته به شکلی از اعتماد اجتماعی ارجاع دارد که دامنه آن به غریبه‌ها هم امتداد پیدا می‌کند (Stone, 2011: 11). برخی از سمن‌ها با جذب و همراهی افراد مقبول و معتمد و شفافیت در عملکرد به بازسازی و تعمیم اعتماد اجتماعی اهتمام داشته‌اند.

توسعه اجتماعی به کنش جمعی پیوسته (اقدام جمعی) نیاز دارد. فردگرایی‌های خودخواهانه زیست‌جزیره‌ای را در جامعه تقویت می‌کند. بر مبنای روایت کنشگران مدنی، برخی از سمن‌ها از طریق همبازی اجتماعی و مشارکت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی در حل مشکلات محلی مشارکت داشته‌اند.

بر اساس آنچه گفته شد، برخی از سمن‌های مورد مطالعه از طریق ترویج قواعد نمادین مثبت، شبکه‌سازی اجتماعی، اعتمادسازی و تعمیم اعتماد اجتماعی، و تقویت کنش‌های پیوسته به تولید سرمایه اجتماعی مبادرت ورزیده‌اند. این یافته هم‌سو با مطالعه تجربی اسلام است. بر مبنای نتایج این مطالعه، سازمان‌های غیردولتی در جنبه‌های مختلف مانند بهبود مشارکت، شبکه‌های اجتماعی، و اقدام جمعی به توسعه اجتماعی در بنگلادش کمک کرده‌اند (Islam, 2015: 167).

با توجه به قابلیت زایای سمن‌ها، در صورت افزایش ضریب نفوذ اجتماعی و ارتباط بین‌انجمنی، سمن‌ها به گذار از همبستگی اجتماعی مکانیکی به ارگانیکی کمک می‌کنند. «جامعه مدرن متضمن شکل جدیدی از همبستگی و نظم اجتماعی برای جلوگیری از فروپاشی اجتماعی است. نظمی که بر تمایزپذیری و پذیرش تفاوت‌ها و وابستگی متقابل استوار است و به میانجی انجمن‌ها و گروه‌بندی‌های حرفه‌ای قوام می‌یابد نظمی ارگانیک است و ماهیت انسجامی دارد.» (کاف و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۴).

یکی دیگر از اهداف این پژوهش، فهم تجارب سرمایه‌زا و سرمایه‌زدای اجتماعی سمن‌ها بود. از جمله تجارب سرمایه‌زای سمن‌ها عام‌گرایی بود. این مضمون بر عدم لحاظ هویت‌های اولیه (تعلقات قومی، عشیره‌ای، خویشاوندی، وابستگی مکانی) در عضوگیری و ارائه خدمات دلالت دارد و روایتگر تعمیم روابط اجتماعی و گذار از سرمایه اجتماعی درون‌گروهی (محدود) به سرمایه اجتماعی بین‌گروهی (پیوندی) است.

«الگوسازی»، «فرهنگ مشارکت»، «وارستگی مبنای عضوگیری»، «هدف‌گذاری مشترک»، و «روایتگری ترومای جمعی» از جمله اقداماتی محسوب می‌شود که در تقویت پایگاه اجتماعی و ضریب نفوذ اجتماعی سمن‌ها، ترویج فضیلت‌های مدنی، گذار از رفتارهای زیست‌واره به کنش‌های جمعی پیوسته مؤثر بوده است.

در کنار اقداماتی که به تولید و بسط سرمایه اجتماعی می‌انجامد نمی‌توان از فعالیت‌های سرمایه‌زدا غافل شد. برخی از اقدامات سرمایه‌زدا به نحوه عملکرد سمن‌ها مرتبط است: «باندبازی»، «دیوارکشی»، «چنددستگی» در میان سمن‌ها، «تحمیل علایق و ترجیح تمنیات فردی»، و «شکندگی ارتباطات بین‌گروهی» از جمله آسیب‌هایی است که اثربخشی و ضریب نفوذ اجتماعی سمن‌ها را محدود می‌کند و به زوال سرمایه اجتماعی می‌انجامد. برخی دیگر از اقدامات سرمایه‌زدا به نحوه مواجهه مردم و کارگزاران نهادی با سمن‌ها و فعالان مدنی مرتبط است. اذعان فعالان مدنی به مضامینی چون «منفی‌نگری»، «محدودسازی»، «کارشکنی»، «مخدوش‌سازی و ستیزه‌جویی با کنشگران مدنی»، «اتهام سوءاستفاده و بدگمانی»، و «سنگ‌اندازی» در فعالیت برخی از سمن‌ها نشان از تحدید ساخت فرصت‌های سیاسی و تردید اجتماعی نسبت به فعالیت مدنی دارد و با افزایش هزینه‌های فعالیت مدنی، بی‌اعتنایی اجتماعی و فردگرایی خودخواهانه و زیست‌جزیره‌ای را در جامعه شدت می‌بخشد. هم‌سو با رویو، آنجا

که اجتماعات یا شبکه‌ها منفک و محدود هستند یا در مغایرت با منافع گروهی جامعه عمل می‌کنند، سرمایه اجتماعی مولد به سرمایه اجتماعی معیوب و ناکارآمد و منحرف بدل خواهد شد و توسعه اجتماعی به شدت مختل می‌شود (Rubio, 1997: 807).

با اذعان به ماهیت اکتشافی و بسترمند و تفریدی مطالعات کیفی، بر مبنای روایت فعالان مدنی سردشت، با هدف افزایش ضریب نفوذ اجتماعی سمن‌ها در سردشت و شدت بخشیدن به سرمایه اجتماعی مولد و بین‌گروهی موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

نخست. نظر به نوپایی و ابهامی که نسبت به ضرورت کارکردی سمن‌ها در میدان مورد مطالعه وجود دارد پاسخگویی و شفافیت در عملکرد و تمایزپذیری و تخصصی شدن در فعالیت سمن‌ها ضروری به نظر می‌رسد.

دوم. با وجود تعدد در سمن‌ها و مراکز نیکوکاری، پتانسیل همراهی جمعی در بین سمن‌ها ضعیف است. در این زمینه تعامل و ائتلاف بین‌گروهی در قالب تقسیم کار بین‌انجمنی برای کاستن از فعالیت‌های جزیره‌ای و بهره‌گیری از تجارب جمعی ضروری به نظر می‌رسد. به قول یکی از مصاحبه‌شوندگان، سمن‌ها باید جلسات مشترک ماهیانه یا فصلی یا اقتضایی را در دستور کار خود قرار دهند.

سوم. فعالیت مدنی و انجمنی در جامعه‌ای که فردگرایی‌های خودخواهانه و عقلانیت‌ابزاری به الگوی کنشی غالب بدل شده است و کارگزاران نهادی با دیده تردید به فعالیت‌های مدنی می‌نگرند با هزینه‌های جسمی، روانی، اجتماعی، و سیاسی برای فعالان مدنی همراه است. از این رو فراهم آوردن ساخت فرصت‌های سیاسی و نهادی و بازاندیشی در رویکرد مسئولان اجرایی نسبت به فعالیت سمن‌ها امری مبرهن است.

چهارم. مشاهدات میدانی گویای آن بود که سنگینی کار خیلی از سمن‌ها بر دوش یک یا دو نفر از اعضا است و اکثر اعضا به همان اندازه مسئولیت‌پذیر نیستند؛ ضمن آنکه برخی از سمن‌ها از فعالیت‌های خودمدارانه آسیب می‌بینند و اعضا در فرایند تصمیم‌سازی حضور و مشارکت ندارند. راه برون‌رفت از شخصی شدن و به‌کارگیری سمن‌ها برای مطامع شخصی و گروهی در گرو نهادمندسازی سمن‌ها است و ضرورت دارد در اساسنامه سمن‌ها مواردی چون شفافیت مالی، چرخش دموکراتیک قدرت، انتخابی شدن هیئت‌مدیره سمن‌ها، زمانمند شدن فعالیت‌ها، برگزاری مجمع عمومی، و ... لحاظ شود.

منابع

- پاتنام، رابرت (۱۳۸۰). *دمکراسی و سنت‌های مدنی*. مترجم: محمدتقی دلفروز، تهران: نی.
- رزاقی، نادر و لطفی، بهنام (۱۳۹۷). تحلیل جامعه‌شناختی چالش‌های بقا و پایداری سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه آسیب‌های اجتماعی؛ با تأکید بر رابطه آن‌ها با دولت، *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۵(۱۱) ۹۷-۱۲۸.
- عبداللهی، محمد (۱۳۸۳). توسعه اجتماعی، فرایند مدیریت و توسعه، ۱۸(۴) ۲۱-۱۴.
- عربی، علی و دالوند، فرانک (۱۴۰۰). سمن‌ها، سرمایه اجتماعی و مدارا (مورد مطالعه: سمن‌های فعال جوانان سطح شهر شیراز ۱۳۹۷ - ۱۳۹۸)، *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، ۲۰(۵۳) ۳۲ - ۴۸.
- قادرزاده، امید و کریمی، ایوب (۱۳۹۹). فعالیت در سازمان‌های مردم‌نهاد: بساخت شبکه ارتباطی جدید به مثابه جایگزین محدودیت‌های ساختاری: ارائه نظریه زمینه‌ای، *مسائل اجتماعی ایران*، ۱۱(۱) ۲۳۲-۲۰۳.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۵). *پایان نظم: سرمایه اجتماعی و حفظ آن*. مترجم: غلامعباس توسلی، تهران: قلم نوین.
- فیلد، جان (۱۳۸۸). *سرمایه اجتماعی*. مترجمان: غلامرضا غفاری، حسین رضائی، تهران: کویر.
- کاف، ای.سی؛ شاروک، دبلیو. دبلیو و فرانسیس، دی. دبلیو (۱۳۸۸). *چشم‌اندازی در جامعه‌شناسی*. مترجمان: بهزاد احمدی، امید قادرزاده، تهران: کویر.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷). *بنیاد نظریه‌های جامعه‌شناسی*. مترجم: منوچهر صبوری، تهران: نی.
- محمدجانی، محمدرضا و دستغیب، سید احمدرضا (۱۳۹۷). عوامل مؤثر بر اثربخشی سازمان‌های مردم‌نهاد جوانان استان فارس، *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، ۱۷(۴۲) ۲۱۴-۱۸۷.
- ولکوک، مایکل و همکاران (۱۳۸۹). *سرمایه اجتماعی: اعتماد، دمکراسی، و توسعه*. مترجمان: حسن پویان و افشین خاکباز، تهران: شیرازه.
- یعقوبی، الهام؛ محمدی، سارا؛ نوشیروان بابلی، پگاه و خان محمدی، هادی (۱۴۰۰). تحلیل تأثیر و تأثر اهم مسائل سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران، *مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی*، ۱۱(۴۰) ۱۰۰ - ۷۴.
- Abdollahi, M. (2004). Social Development, *JMDP*, 18 (4) 14-21. (in Persian).
- Abom, B. (2004). Social capital, NGOs, and development: A Guatemalan case study, *Development in Practice*, 14(3) 342-353.
- Ali, R., Naseem, M. A., & Farooq, M. M. (2011). Social capital impact on economic development (a theoretical perspective), *International Journal of Business Management & Economic Research*, 2(4) 270-277.
- Arab, A., Dalvand, F. (2021). NGOs, Social Capital and Tolerance (Case Study: Active NGOs in Shiraz), *Strategic Studies on Youth and Sports*, 20(50) 32-38. (in Persian).
- Abu-lughod, L. (1991). Writing against culture in Richard G. Fox, *Recapturing Anthropology*, 62-137. Sante Fe, NMex: School of American Research Press.
- Buckland, J. (1998). Social capital and sustainability of NGO intermediated development projects in Bangladesh, *Community Development Journal*, 33(3) 236-248.
- Claridge, T. (2018). Functions of social capital—bonding, bridging, linking. *Social capital research*, 20(1) 1-7.
- Cockburn, T. & Cockburn-Wooten, C. (2022). Redefining Social Capital and Social Networks in Global Civil Society, Oberoi, R., Halsall, J.P., & Snowden, M. (Ed.). *Contestations in Global Civil Society*, Emerald Publishing Limited, Leeds, 119-156.
- Coleman, J. (1998). *Foundation of Sociological Theorie*. Translated by Manochhehar Sabouri. Tehran: Ney. (in Persian)
- Cuff, E. C., Dennis, A. J., Francis, D. W., & Sharrock, W. W. (2009). *Perspectives in Sociology*. Translated by (B. Ahmadi, B., & Ghaderzadeh, O), Tehran: Kavir. (in Persian).
- Evans, P. (1996). Government action, social capital and development: reviewing the evidence of synergy, *World Development*, 24(6) 1119-1132.
- Field, J. (2008). *Social capital*. Translated by Gholam-Reza Ghafari and Hossein Ramezani. Tehran: Kavir. (in Persian)
- Fukuyama, F. (2000). *The end of the order of checking social capital and maintaining it*. Translated by Gholam Abbas Tavasli. Tehran: Jamia Iranian Publishing House. (in Persian)
- Ghaderzadeh, O., Karimi, A. (2020). NGOs; Constructing a New Communication Network as an Alternative for Structural Constraints: Providing a Grounded Theory, *Social Problems of Iran*, 11(1) 203-232. (in Persian)
- Hartmann, D. et al. (2019). The network effects of NGOs on social capital and innovation among smallholder farmers: a case study in Peru, *The Annals of Regional Science*, 70(1) 633-658.
- Islam, M. R. (2016). *NGOs, Social Capital and Community Empowerment in Bangladesh*. Palgrave Macmillan, Singapore.

- Jaysawal, N. (2017). Role of Non-Governmental Organization (NGO) in Social Capital: A Review, *Asian Journal of Research in Social Sciences and Humanities*, 7(6) 341-351.
- Kumar, K. (1978). *Prophecy and Progress*. (Harmonds Worth): Penguin.
- Mohammad Jaani, M.R., Dastgheib, S.A.R. (2019). Factors Affecting Effectiveness of Youth Non-governmental Organizations in Fars Province, *Strategic Studies on Youth and Sport*, 17(42)187-214. (in Persian).
- Putnam, R. (1995). Bowling alone: America's Declining Social Capital, *Journal of Democracy*, 6(1), 65-78.
- (2001). *Democracy and Civil Traditions*. Translated by Mohammad-Taghi Delfrooz. Tehran: Political Studies Office of the Ministry of Interior. (in Persian)
- Putnam, R. D., Leonardi, R., & Nanetti, R. Y. (1994). *Making Democracy Work, Civic Traditions in Modern Italy*. Princeton university press.
- Rahman, A. (1995). Participatory development: Toward liberation of co-option? In G. Craig and M. Mayo (Eds.) *Community Empowerment: A Reader in Participation and Development*. London: Zed Book.
- Razzaghi, N. & Lotfi, B. (2017). Sociological analysis of the challenges of survival and sustainability of non-governmental organizations active in the field of social harms; Emphasizing their relationship with the government, *Sociology of Social Institutions*, 5(11) 25. (in Persian)
- Rubio, M. (1997). Perverse Social Capital: Some Evidence from Colombia, *Journal of Economic Issues*, 31(3) 805-816.
- Stone, W. (2011). Measuring Social Capital: Towards a Theoretically Informed Measurement Framework for Researching Social Capital in Family and Community Life, Research Paper No. 24, Australian Institute of Family Studies, Melbourne, Available at <http://www.aifs.gov.au/institute/pubs/stone.html>.
- Woolcock, M. & Narayan, D. (2000). Social Capital: Implications for Development Theory, Research, and Policy. *The World Bank Research Observer*, 15(2) 225-49.
- Woolcock, M. et al. (2008). *Social capital: trust, democracy and development*. Translated by Hasan Pouyan and Afshin Khakbaz. Tehran: Shiraze. (in Persian)
- Yaghoobi, E., Noshiravan, P., Mohammadi, S., Khanmohammadi, H. (2021). Analysis of the impact of the most important issues of NGOs in Iran, *Strategic Studies of Public Policy*, 11(40)74-100. (in Persian).